



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۲۷



داکتر صلاح‌الدین سعیدی

ناگفته ها و قومی سازی های نفرت پراگند

در مسایل جنایی سند اثبات باید به صورت مستقیم، اثبات اتهام را شهادت بدهد. دلایل غیر مستقیم ای که با تسلسل منطقی به اثبات اتهام وارد جرمی منجر شود، بر مستنطق و قاضی مستنطق است که به جمع آوری دلایل و مستندات دیگر کار را نیز تمرکز دهد!

در صورتیکه حادثه و واقعه واقع میشود (مثلاً: انسانی در خانه مرده یافت میشود!) بر پولیس جنایی است تا تثبیت کند که این حالت و مرگ طبیعی است و یا دست در کار بوده که به شکل ماهرانه منجر به قتل شده؟ شخص در خانه مرده پیدا میشود، و در حالیکه به رأس آن زخم نیز دارد، بر مستنطق است تا پیدا کند علت زخم در رأس متوفی (مقتول) از اثر سقوط از زینه و بلندی در اثر سکتة قلبی است و یا ضرب اله، توسط کسی؟ و این مرحله تحقیق در جزییات جرح و زخم و بعد کار طب عدلی است، تا با باز کردن سینه و قلب امکانات سکتة قلبی را تثبیت کند و عصر امروز و قتل های مرموز سیاسی امروز در جهان نشان میدهد که چنین حوادث در سطح جهان و به دست استخبارات جهان بوقوع پیوسته!

در چکوسلوواکی در سالهای شصت قرن گذشته، وزیر خانه آن کشور در زیر بالکن کلکین وزارت خارجه کشته شده یافت میشود، در حالیکه در ریزهای قبل با اظهارات مخالف شوروی وقت پرداخته است، یاسر عرفات فقید که ثابت شد، با ترزیک مواد در خونس کشته شده، قبل از فوت در رادیوی اسرائیلی فوتش اعلان میشود، و در مقدمه من امیر شیر علیخان در جدال های انگلیس و روس از جانب انگلیس ها بر امیر شیر علیخان تحمیل بود که با روس ها نباید علایق و روابط وسیع داشته باشد! زمانیکه استعمار انگلیس حاضر در شبه قاره هند و به نحوی در پاکستان امروز متوجه میشود، که امیر شیر علیخان با روسها علایق و روابط ایجاد کرده، وی را تهدید میکنند و زمانیکه رضایت حاصل نمی شود، عساکر انگلیس برای حمله بر امیر به جانب افغانستان مارش و استقامت داده میشوند! امیر شیر علیخان از ترس حمله به جانب ترکستان های افغانستان می رود که از روسها طلب مساعدت عسکری کند ولی در ترکستان افغانستان (مزار شریف) بعد از یک مریضی کوتاه و دفعاتاً وفات میکند! و بعد از مهمانخانه استخبارات روسها عبدالرحمن خان، پسر افضل خان با عساکر (چیزی کم دوهزار) ازبک و ترکمن به جانب افغانستان می آیند تا پاچاشو! تا پاچاشو!

آیا مرگ شیر علیخان در یک مریضی کوتاه و آمدن عبدالرحمن خان به افغانستان، در حالیکه ولیعهد سلطنت (ایوب خان)، در میوند میجنکد، همه تصادفی بود و یا باید تحقیق تاریخی در ارشیف استخبارات روسها، انگلیسها و ... باید به دقت ورق زده و به حقایق رسید؟

بلی عبدالرحمن خان پسر افضل خان وارث تاج و تخت امیر شیر علیخان (شاه متوفی) در ترکستان (مزار شریف)، نبود!

عبدالرحمن خان (پسر افضل خان) بعد از یازده سال تبعید در آسیای میانه از مهمانخانه روسها (قرار شواهد به توافق روسها و انگلیس ها، و یا اولاً توافق روسها و بعداً انگلیسها و یا برعکس و یا هر دو) با عساکر ترکمن و ازبک) عاجل بعد از وفات شاه افغانستان وارد افغانستان و به شمالی کابل میرسد (خود امیر این توافق را رد میکند) و در شمالی به جنرال گریف انگلیس، ملاقات و میبیند و در حالیکه شهزاده ایوب خان (وارث تاج و تخت) در میوند قندهار کار نامه و جنگ و مبارزه علیه تجاوز استعماری میآفریند و میکند، در کابل عبدالرحمن اعلان پادشاهی میکند!

(بعدها همین عدم وارث بودن عبدالرحمن مانند نقطه ضعف وی، از جانب سرما رتیمور دیورند علیه وی استفاده شده در تحمیل «خط دیورند» علیه امیر بکار می رود ولی امیر عبدالرحمن مقاومت و به نحوی طفره می رود!) ، به

کمیسیون مشترک (۱۸۹۷-۱۸۹۳ م) جانب افغنی را به تعلل و روز گذرانی هدایت داده و قیامهای متعدد علیه این نشانی کردن های سرحدی می انجامد و مردم نمی گذارند چنین چیزی صورت گیرد و در زمین به جز مقدار محدود، چیزی نشانی نمی شود... (از لحاظ حقوقی در توافق ولوشفاهی که اصل موضوع توافق مجهول بماند، منجر به فسخ توافق است، درین صورت این سند فسخ و لو توافق شفاهی نیز شده میتواند و است!).

ولیعهد ایوب خان در جبهه میوند علیه عساکر استعمار بنابر اعلان پادشاهی عبدالرحمن خان، در کابل، ضعیف و ایوب خان به ایران متواری میشود و ایرانیها شهزاده ایوب را ، خلاف تمام موازین، دستگیر کرده و ناجوانمردانه به استعمار گران، تسلیم میکنند!

امیر عبدالرحمن بر علاوه وسعت حرامسرا به تحکیم قدرت خود متمرکز میشود! بعد از وفات امیر شیر علیخان که از افغانستان مرکزی نیز زنان داشت، مردم و میران هزاره امتیاز، حق و میراث از پادشاهی امیر شیرعلیخان متوفی و حصه در قدرت سیاسی میخواهند و میران افغانستان مرکزی و هزاره ها مانند دیگر مقاومتها در برابر امیر عبدالرحمن مقاومت میکنند!

امیر عبدالرحمن نه تنها که ایشان را سرکوب و علیه شان وسیعاً به قتل و جنایت مانند اکثر شاهان و حکمای آنوقت در جهان، میپردازد سایر موارد و در نقاط مختلف کشور و قلمرو مخالفین حاکمیت خویش را بی رحمانه و جابرانه سرکوب میکند! تصادفی نیست که وی را عده امیر آهنین نیز مینامند!

امیر عبدالرحمن در سرکوب مخالفین خود از هیچ چیزی و در برابر هیچکس دریغ و ترحم نمی کند! از مقاومت مردم شینوار (پشتون) و دیگر نقاط کشور که در آن قوم و زبان در نظر گرفته نه شده، صرف مخالف حاکمیت، اساس بوده، کله منار ها میسازد و حرمسرا تقویت میکند!

عده از مردم مظلوم افغانستان مرکزی که توان فرار و نجات داشتند به کویت پاکستان و مشهد ایران امروز جابجا شده و ایشان وسیله خوب از جانب حکام ایران و پاکستان و تا امروز علیه منافع افغانستان استفاده شده و برای تاجران قومی و زبانی و جمهوریت امریکایی وسیله فشار و

فتنه های قومی و زبانی و کادر های سیاسی تشکیل شده و اسناد جعلی افغان بودن را در دایکوری و از نقاط مرکزی افغانستان در جمهوریت که ایشان افغان اند، نیز میسازند (این واقعیت را سه ماه قبل کارمند حکومت جمهوریت و حال فعال سیاسی قوم هزاره که چنین تصدیق ها را صادر مرده، اعتراف کرد!) و این حالت برای آقای مهدی، لعل زاد و ستمی ها فرصت برای ایجاد و عمیق نفرت در برابر پشتونها و دلیل نفرت قومی و زبانی و تجارت به خون و باروت و نفرت فاشیستی قومی مبدل میشود و حتی گستاخانه و فاشیستی نخبگان پشتون به معذرت خواهی از سایر اقوام علناً از جانب مریضی روانی و فتنه گر (داکتر !؟ مهدی) فرا خوانده میشوند!

و عده ساده دلان انرا چنین تعبیر سادلوحانه و شرارت پیشه نموده و افغان را، برادر را در مقابل برادر تحریک و بر میخیزانند و نفرت قومی و زبانی ایجاد میکنند!

جرم و جنایت هویت قومی و زبانی ندارد!

عبدالرحمن خان را من نسل امروز به قدرت نه رسانیده ام!

من گذشته را ایجاد نه کرده ام!

افغانستان و حل سیاسی مسایل دولت داری حل قومی ندارند،

ما قربانی ایم و بعد از انقلاب اسلامی، مسلمان باید در برابر مسلمان بکار میرفت تا وحدت و اخوت اسلامی بشکند!

ایجاد سیاسیون برخاسته از کویت پاکستان و ایران و از ایشان سیاسیون برحال افغان ساختن (بهزادها) را باید ختم کرد!

اصل یک شهروند و یک رأی را اساس قرار داد و حاکمیت مدرن افغانستان شمول را باید به اساس اراده ملت و حاکمیت قوانین مدرن و قابل تطبیق و اصل شایستگی زعامت شخص نه، بلکه زعامت نسخه و برنامه نجات و مشروعیت سیاسی بر همه، یکسان مطرح و تطبیق کرد و هوشیار شد! درین هوشیاری مریض معذور را تدای و ترحم کرد، مضر، خاین و اجیر دشمن را ، بی رحم افشاء کرد! آنکه به عزت، آبرو و افتخارات مشترک اهانت روا میدارد، شایسته روش متقابل مودب نیست!

تجارت قوم و زبان و سایر فتنه های قومی و زبانی را باید نه گفت!

بلاخره باید انسان و مسلمان و هموطن خوب شد!

برای رهایی تنها تساوی جندر، پیر و جوان و دیگر معیار ها از جمله پوزیتیف دیسکرمینشن کافی نیست!

اول باید به نسخه، طرح و راه بیرون رفت به توافق رسید و درین مرحله اساس فهم و دانش است و بعد در تطبیق فرصت به همه ملت و تمام اقشار جامعه، مطرح میشود! حتی نیست به هر کودن صرف بخاطر قوم و زبان و جندر و عمر در یافتن نسخه و برنامه به شکل کلیشوی اتکا کرد! جنرال جبهه را به خانم کرو بلند، غیر مسلکی، اجنت استخبارات انجیبی و متکلم به چند کلمه انگلیسی، منقاد و مجبور به سلامی زدن کرد!

راه نجات و عملکرد بسته ایی و پکیج نجات (در عالم اسباب) که باید روی دست گرفته شود و شرارت های فتنه گر قومی و زبانی و به تاجران آن ، نه بگویید!

و مانند صف بزرگ افغانستان شمول کار مشترک، مرحله به مرحله را روی دست گرفت! هر عجله و عدم دقت مضر کشنده است!

و ها

بدون بوجود آوردن نسخه، صف بزرگی ملی تحقق قدم به قدم نسخه و راهکار رفتن و تصحیم به ایجاد حکومت افغانی در فضای مجازی، یکی از همان لغزش های بنیادی است که درین اواخر مود کشنده شده!

لذا باید به حال آمد و ادای رسالت کرد!

و علی الله توکلت و الیه المصیر

داکتر صلاح الدین سعیدی

۲۰۲۶/۰۹/۲۵

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸